

Symbolism of Achaemenid Seal Motifs with Ritual Themes

ISSN (P): 2980-7956

ISSN (E): 2821-2452



10.22034/jivsa.2025.546715.1130

Elham Khodavandgari^{1*} , Abolghasem Dadvar² , Davood Moazami³ 

*¹ Corresponding Author: Master of, Art Research, Faculty of Art, University of Neyshabur. Neyshabur, Iran

Email: khodavandgari@gmail.com

² Professor, Art Research Department, Faculty of Art, Al-Zahra University, Tehran, Iran

³ PhD in Philosophy of Art, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Citation: Khodavandgari, E. & Dadvar, A.B. & Moazami, D. (2025), "Symbolism of Achaemenid seal motifs with ritual themes", *Journal of Interdisciplinary Studies of Visual Arts*, 2025, 4 (8), P. 17-29.

Received: 12 September 2024

Revised: 19 January 2025

Accepted: 19 September 2025

Published: 20 September 2025

Abstract

Achaemenid seals are among the most important archaeological evidence of a period in which art and politics served the imperial worldview. In addition to their administrative and commercial functions, these seals have provided a platform for representing political, religious, and ritual concepts. Achaemenid seal motifs, like pictorial texts, have made it possible to reinterpret religious thought and belief, the concept of divine power, and the relationship between man and divinity in this historical period. Also, the symbology study of these motifs can play an effective role in better understanding the connection between religion and politics and how the Achaemenid kings were legitimized. The aim of the research is to read the symbology concepts in the designs of Achaemenid seals with ritual themes and to try to reveal the hidden layers of meaning behind these images. The present study seeks to answer the question: What symbolic concepts do the ritual motifs used in Achaemenid seals reflect? The nature of the present research is developmental and, in terms of method, descriptive-analytical with a semiotic approach. Information was collected using a library-documentary method and based on written sources and documents available in museum archives. After examining the motifs of Achaemenid seals with ritual themes from a symbology perspective, it was concluded that many seals depicted ritual-prayer scenes, the presence of gods, composite beings, celestial bodies, and plant motifs, which, while rooted in Iranian beliefs, were influenced by the artistic elements of Mesopotamia and other ancient nations. In these motifs, the most frequent concepts are authority, glory, blessing, life, and adherence to beliefs and sacred things. By depicting ritual motifs on seals, Achaemenid artists attempted to record and display ritual ceremonies.

Keywords: Achaemenid, Achaemenid seals, Achaemenid seal motifs, Symbolism, Ritual themes.

نمادشناسی نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی

ISSN (P): 2980-7956

ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.546715.1130

الهام خداوندگاری^{*۱}، ابوالقاسم دادور^۲، داوود معظمی^۳

^{*۱} نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران

Email: khodavandgari@gmail.com

^۲ استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

^۳ دکتری فلسفه هنر، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

چکیده

مهرهای هخامنشی از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناختی دوره‌ای هستند که در آن هنر و سیاست در خدمت جهان‌بینی شاهنشاهی قرار گرفت. این مهرها علاوه بر کارکرد اداری و تجاری، بستری برای بازنمایی مفاهیم سیاسی، دینی و آیینی فراهم کرده‌اند. نقوش مهرهای هخامنشی همچون متنی تصویری، بازخوانی اندیشه و باور دینی، مفهوم فره ایزدی و رابطه‌ی انسان و الوهیت در این دوره‌ی تاریخی را امکان‌پذیر ساخته‌اند. همچنین مطالعه‌ی نمادشناسانه‌ی این نقوش می‌تواند در فهم بهتر پیوند میان دین و سیاست و چگونگی مشروعیت‌بخشی پادشاهان هخامنشی نقش موثری ایفا نماید. هدف پژوهش، خوانش مفاهیم نمادشناسانه در نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی است و می‌کوشد لایه‌های معنایی پنهان در پس این تصاویر را آشکار سازد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که نقوش آیینی به کار رفته در مهرهای هخامنشی چه مفاهیم نمادین را بازتاب می‌دهند؟ ماهیت پژوهش حاضر توسعه‌ای و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد نمادشناسی است. گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای-اسنادی و بر اساس منابع مکتوب و اسناد موجود در آرشیو موزه‌ها انجام شده است. پس از بررسی نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی از منظر نمادشناسی، این نتیجه حاصل شد که بسیاری از مهرها، صحنه‌های آیینی-نیایشی، حضور ایزدان، موجودات ترکیبی، اجرام آسمانی و نقوش گیاهی را به تصویر کشیده‌اند که ضمن ریشه‌داری در باورهای ایرانی، تحت‌تاثیر عناصر هنری میان‌رودان و سایر ملل باستان شکل گرفته‌اند. در این نقوش پرتکرارترین مفاهیم اقتدار، شکوه، برکت، زندگی و پابندی به باورها و مقدسات، بوده و هنرمند هخامنشی با به تصویر کشیدن نقوش آیینی بر روی مهرها، سعی در ثبت و نمایش مراسم آیینی داشته است.

کلیدواژه‌ها: هخامنشیان، مهرهای هخامنشی، نقوش مهرهای هخامنشی، نمادشناسی، مضمون آیینی.

۱. مقدمه

مهرها و اثر آن‌ها یکی از چشم‌گیرترین اسناد تاریخی باستان‌شناختی است که همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. مطالعه‌ی نقوش مهرها، آشنایی با بینش، باورها، فرهنگ و آداب و رسوم یک سرزمین را امکان‌پذیر می‌سازد. تصاویر ثبت‌شده بر مهرها، همچون سندی تصویری، مسائل دوران خود را روایت می‌کنند؛ بنابراین می‌توان از مهرها به عنوان ابزارهای ابتدایی انتقال اطلاعات، یاد کرد. این نقوش کهن و باستانی که در اغلب موارد الگوبرداری شده از دوران پیش از خود است، الهام‌بخش انسان در آینده نیز خواهد بود. در تمدن هخامنشی، مهرها کارکردهای ویژه‌ای داشته‌اند و نقوش حک‌شده بر آن‌ها به منظور انتقال معانی و مفاهیمی خاص، توسط هنرمند و سفارش‌دهنده طراحی می‌شد. به جهت درک بهتر مفاهیم این نقوش، نیاز به بررسی آن‌ها از منظر نمادشناسی، بدیهی به نظر می‌رسد. از آنجا که مهرهای امپراتوری هخامنشی، شامل مضامین و صحنه‌های متنوعی است، از میان آن‌ها تنها مضمون آیینی از سوی نگارندگان گزینش شده است. در پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش برآمده‌ایم که نقوش آیینی به کار رفته در مهرهای هخامنشی چه مفاهیم نمادین را بازتاب می‌دهند؟ شناسایی و تحلیل نمادها در نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی هدف اصلی پژوهش حاضر است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های فراوانی توسط باستان‌شناسان و پژوهشگران داخلی و خارجی در خصوص تمدن و هنر هخامنشی صورت گرفته است و در خلال تشریح این تمدن تاریخی به معرفی هنر آن دوره پرداخته که بخشی از آن به توصیف نقوش مهرها، طبقه‌بندی و کاربرد آن‌ها اختصاص دارد. رومن گیرشمن (۱۳۹۰)، کتاب «هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی»^۱، جان کرتیس و نایجل تالیس (۱۳۹۲)، کتاب «امپراتوری فراموش شده، فرهنگ، هنر و تمدن هخامنشیان»^۲، آرتور ایهام پوپ (۱۳۹۴)، کتاب «سیری در هنر ایران»^۳ جلد اول، از جمله منابعی است که در آن ضمن تشریح تمدن و هنر هخامنشی، مهرهای این دوره نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یکی از تحقیقاتی که در زمینه‌ی مهرهای

هخامنشی انجام یافته، کتابی است که توسط مارک گریسون و مارگارت کول روت گردآوری شده و کمال‌الدین نیک‌نامی و علی بهادری (۱۳۹۰) آن را به فارسی با عنوان «اثر مهرهای هخامنشی برجای‌مانده بر گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید»^۴ ترجمه نموده‌اند. جلد اول این کتاب به تشریح نقوش نبرد پهلوانی مهرهای هخامنشی اختصاص دارد. کتاب «شاه و نخبگان در شاهنشاهی هخامنشی»^۵، (ووتر هنکلن، ۱۴۰۰)، ترجمه‌ی ده مقاله است که به نقش و جایگاه پادشاهان و شبکه‌ی روابط آن‌ها با طبقه‌ی حاکم در این دوره‌ی تاریخی ایران براساس یافته‌های بایگانی باروی تخت جمشید شامل کتیبه‌ها و مهرها پرداخته است. «مطالعه تطبیقی جانوران ترکیبی در هنر هخامنشیان و آشوریان با تأکید بر نقوش برجسته و مهرها» عنوان مقاله‌ای است که ابوالقاسم دادور و رویا روزبهرانی (۱۳۹۵) به بررسی وجوه اشتراک و افتراق جانوران ترکیبی در دو تمدن هخامنشی و آشوری بر روی نقوش برجسته و مهرها پرداخته‌اند. «تطبیق نماد قدرت بر روی نقوش مهرهای دوره هخامنشی با دوره قاجار» عنوان مقاله‌ای است که محمدرضا شریف‌زاده و نینا بهزادی (۱۳۹۷)، نقوش، نمادها و نشانه‌های مهرها در پیش از اسلام (هخامنشی) و پس از ورود اسلام به ایران در دوره قاجار را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و اشتراکات و افتراقات نماد قدرت بر مهرهای این دو دوره را بیان کرده‌اند. «منظر درخت؛ بازشناسی انگاره «درخت» در مهرهای هخامنشی» عنوان مقاله‌ای است که علی اسدپور (۱۳۹۹)، به بازشناسی گونه‌های درختان بر مهرهای هخامنشی پرداخته و تکنیک اجرای نقوش درختان و رابطه‌ی آن با محتوای مهرها را بررسی نموده است. «شمایل‌نگاری نقوش گیاهی در هنر ایران باستان بر اساس نقوش مهرها و مسکوکات» عنوان مقاله‌ای است که منتظری همدی و همکاران (۱۴۰۲) در این مقاله با تفسیر نقوش گیاهی مهرها و مسکوکات ایران باستان، اهمیت و جایگاه این نقوش در باور مذهبی و اساطیری دوران هخامنشی تا ساسانی را شناسایی نموده‌اند. «بررسی مهرهای تمدن هخامنشی و بن‌مایه‌های تزینی مشترک آن با مهرهای تمدن میان‌رودان و ایلام» عنوان مقاله‌ای است که طالبی و شاطری (۱۴۰۲)، وجوه اشتراک میان نقوش مهرهای هخامنشی با

مهرهای میان‌رودان و ایلام را مورد بررسی قرار داده‌اند. "The Royal-Name Seals of Darus I" عنوان مقاله‌ای است که Garrison (2014) مهرهای شناخته‌شده‌ای که دارای کتیبه با نام داریوش اول هستند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. عناصر مورد استفاده در طراحی و نقوش این مهرها به‌طور مجزا بررسی شده و گونه‌شناسی مهرهای مذکور مورد مطالعه قرار گرفته است. "The Impressed Image: Glyptic Studies as Art and Social History" عنوان مقاله‌ای است که Garrison (2014) به ارتباط میان نقوش مهرهای هخامنشی در دوره‌ی حکومت داریوش اول و سلسله‌مراتب اجتماعی-اداری در این دوره پرداخته، مقاله‌ی مذکور نشان می‌دهد که میان تصاویر مهرها و جایگاه اجتماعی-اداری استفاده‌کنندگان آنها، ارتباط معناداری وجود دارد. از آنجاکه در پژوهش‌های پیشین، خوانش نمادشناسانه نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی انجام نگرفته، بنابراین پژوهش حاضر برای نخستین بار به این موضوع می‌پردازد.

روش پژوهش

ماهیت پژوهش حاضر توسعه‌ای و از نظر روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد نمادشناسی است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای-اسنادی است. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش کمی و کیفی صورت پذیرفته است. در مسیر پژوهش ابتدا به معرفی مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی پرداخته شده، سپس نمادها در نقوش سه مهر با مضمون آیینی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. مهرهای هخامنشی

با توجه به مطالعات انجام شده بر روی مهرهای مکشوف از تمدن هخامنشی می‌توان آنها را به دو دسته‌ی کلی «مسطح»^۶ و «استوانه‌ای»^۷ تقسیم کرد (پوپ، ۱۳۹۴، ص ۴۸۹). تفاوتی که بین این دو نوع مهر وجود دارد این است که فضای اجرای نقوش در مهرهای مسطح نسبت به مهرهای استوانه‌ای کمتر است، و در نوع مسطح معمولاً کتیبه‌ی حک‌شده، بسیار کوتاه و گاهی فقط یک نام یا عنوان را شامل

می‌شود (کولون و پرادا، ۱۳۹۴، ص ۱۶). مهرهای استوانه‌ای هخامنشی معمولاً از جنس سنگ‌های عقیق یمانی آبی مات، سنگ لاجورد، انواع عقیق، سنگ‌آهک تیره معمولی، سنگ صابون، گل پخته و حتی بلور ساخته می‌شدند (پرادا، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴). مهرهای برخی مناطق مانند گوردیون^۸ نشان می‌دهد که حضور هخامنشیان در این منطقه موجب پیشرفت ساخت مهرها و تنوع مواد خام در تولید این مصنوعات گردید. این مواد که گاه از نقاط دوردست همچون افغانستان و مصر آورده می‌شدند، شامل: شیشه، استخوان، عاج، عقیق، لاجورد، کلسدونی، سنگ کریستال بود (Dusinberre, 2010, p 328 & 329). درحالی‌که در گذشته تنها از مواد محلی و بوم‌آورد در ساخت مهرهای این منطقه استفاده می‌کردند. از آنجا که زیبایی ظاهری و خاصیت نقش‌پذیری برای خلق اثری چشمگیر، موردتوجه بوده، انتخاب جنس مهرها از سوی هنرمند هخامنشی و سفارش‌دهندگان نیز اهمیت ویژه‌ای داشت.

در دوره‌ی هخامنشیان تجارت از اهمیت بسزایی برخوردار بود و بیشتر مهرها که کاربرد اقتصادی و حقوقی داشتند، مهرهای اداری بودند که شناسایی فرد یا اختیار سازمانی خاص و میزان اعتبار آن را نشان می‌داد (Garrison, 2021, p 770).

۲-۲. نماد

نمادها^{۱۸} از دوران ماقبل تاریخ و زمانی که زندگی اجتماعی در میان انسان‌ها شکل می‌گیرد وارد جهان انسان شده، زیرا برای تداوم حیات خویش در رابطه با زندگی جمعی، نیازمند استفاده از نمادها بوده است (افروغ، ۱۳۹۰، ص ۱۹). در طی دو قرن گذشته، واژه‌ی نماد در متون معتبر علمی، فلسفی، زبان‌شناسیک و در نقادی سخن زیبایی‌شناسیک، به معانی مختلف و گاه متضاد مورد استفاده قرار گرفته است (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۴۱). از دیدگاه مطالعات نشانه‌شناسانه، نماد می‌تواند نوعی نشانه باشد که به‌صورت قراردادی^{۱۹} و اکتسابی تعریف شده است. به این معنی که نشانه‌هایی که بر اساس نماد مورد مطالعه قرار می‌گیرند، ممکن است با موضوع ارتباطی نداشته باشند، بلکه به رابطه‌های قراردادی اشاره دارند و به‌صورت اکتسابی قابل فهم و درک می‌شوند (سجودی،



تصویر ۱. مهر استوانه‌ای هخامنشی با مضمون آیینی. محل نگهداری: موزه بریتانیا (Curtis & Tallis, 2005, p 93).



تصویر ۲. مهر مسطح هخامنشی با مضمون آیینی. محل نگهداری: موزه بریتانیا (Curtis & Tallis, 2005, p 93).

11 PFS^{۱۱}، (تصویر ۳) از جمله مهرهایی است که نقش آن، مضمون آیینی را با تمام تزیینات رسمی هنر درباری هخامنشی به نمایش می‌گذارد. تصاویر مهر مذکور که قابل قیاس با نماهای مقابر شاهان هخامنشی در نقش رستم است، ما را به عرصه‌ی دشواری از کیش و آیین هخامنشی نزدیک می‌کند. این نمونه، باوجود نقش آتشدان در مرکز، صحنه‌ی پرستش خاص را ارائه می‌دهد (Garrison, 2000, p 141). مهر مذکور، با توجه به استفاده‌ی آن در آرشو بارو^{۱۲}، نشان می‌دهد که مهر شخصی زیشاویش^{۱۳}، نفر دوم سیستم جیره‌ی غذایی است که دست راست پرنکه^{۱۴}، رئیس سیستم اداری و درواقع معاون او بوده است (Garrison, 2014, p 72). می‌توان گفت، جایگاه اجتماعی صاحب این مهر، اهمیت بررسی آن را دوچندان می‌کند.

۱۳۹۵، ص ۲۶؛ بنابراین قراردادی بودن، مشخصه‌ی اصلی نشانه‌ی نمادین است. این نوع نشانه با موضوع خود، شباهت و پیوند وجودی نداشته و حتی خارج از اراده‌ی فردی، بر اساس یک قرارداد اختیاری، دال به مدلول مرتبط شده است (وولن، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲؛ احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۸؛ چندلر، ۱۳۹۴، ص ۶۶). از این منظر، نشانه‌های قراردادی یا نمادین، نسبت به انواع دیگر نشانه‌ها، بیشتر کاربرد اجتماعی داشته و تجریدی‌تر هستند (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۴۱).

۳. نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی

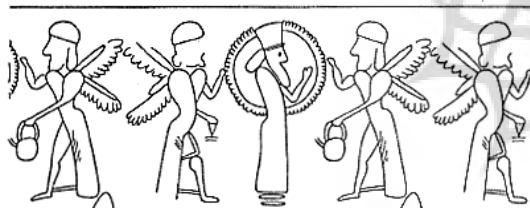
برخی از مهرهای هخامنشی، نقوشی را به تصویر درآورده‌اند که برگزاری مراسم مذهبی و آیینی با جزئیات در آن قابل مشاهده است؛ همچنین می‌توان از روی نقوش این مهرها از نقش و اهمیت مغان^۹ و روحانیان زرتشتی در دوره‌ی هخامنشی آگاه شد. گاه شخص روحانی با برسم^{۱۰} یا سربند و دهان پوشیده در برابر آتشدان ایستاده است. هنگامی که روحانیان با هاون و دسته هاون دیده می‌شوند، نشان‌دهنده‌ی این است که در اجرای مراسم آیینی، برای به دست آوردن مایع مقدس، مواد گیاهی را فشرده یا می‌کوبیدند (تصویر ۱)، گاهی نیز روحانی کوزه‌ای که احتمالاً محتوی مایع سوختنی برای آتشدان است به همراه دارد. در مهری که نقش شاه را در برابر آتشدان نشان می‌دهد، یک روحانی با سربند در حال اجرای مراسم، در سوی دیگر آتشدان دیده می‌شود. (Error! Reference source not found.) با توجه به این نقش، گمان می‌رود که لباس روحانیان در حضور شاه، لباس پارسی و سربند چین خورده باشد اما در صحنه‌های بدون حضور شاه، لباس مادی به تن دارند (کرتیس و تالیس، ۱۳۹۲، صص ۳۳۱ و ۳۳۲). وجود نقش شاه در مقابل آتشدان نیز گویای پابندی به اجرای مراسم آیینی توسط او است.

نیایش، ضیافت، معرفی جانشینان یا پیوند عقد و دوستی است که در بین‌النهرین برگزار می‌شده است (دادور و علیایی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). این نقوش در دوره‌ی هخامنشی نیز امتداد پیدا کرده است.



تصویر ۵. مهر هخامنشی با مضمون آیینی
(Garrison, 2000, p 147)

شواهد و مدارک متنی به‌دست‌آمده از آرشیو بارو نشان می‌دهد که خدایان بسیاری در اطراف تخت جمشید پرستش می‌شده‌اند که این موضوع را می‌توان در بسیاری از اثر مهرها مشاهده نمود. در تصاویری که خدایی (یا تندیس آیینی) را به‌عنوان کانون پرستش نشان می‌دهند، این امر به خوبی منعکس شده است (Garrison, 2000, p 143)؛ مهر PFS 68 (تصویر ۶).



تصویر ۶. مهر هخامنشی با مضمون آیینی
(Garrison, 2000, p 143)

به‌غیراز مغ‌ها و روحانیان، در دوره‌ی هخامنشی، گاهی خود شاه مستقیماً به اجرای مراسم آیینی می‌پرداخت. برخی از این مراسم، شب‌هنگام، در فضای باز و زیر هلال ماه انجام می‌شد. نقوش صحنه‌ی اجرای این مراسم آیینی را بر نمای آرامگاه شاهان و نیز بر روی برخی مهرهای دوره‌ی هخامنشی می‌توان دید (استروناخ، ۱۹۷۸، ص ۱۴۱ از کرتیس و تالیس، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳). با توجه به مطلب فوق، می‌توان برخی نقوش مهرهای هخامنشی که مراسم آیینی و نقش هلال ماه را هم‌زمان به تصویر کشیده‌اند، مرتبط با اجرای مراسم توسط شخص شاه در نظر گرفت.



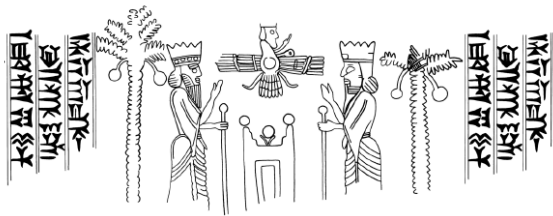
تصویر ۳. مهر استوانه‌ای PFS 11* با مضمون آیینی (Garrison, 2014a, p 503)



تصویر ۴. مهر PFS 75 از بایگانی باروی تخت جمشید با مضمون آیینی
(Garrison, 2000, p 142)

مهر دیگری با موضوع آیینی از دوره‌ی هخامنشی در دسترس است PFS 75 (تصویر ۴)، نقش این مهر آیینی، یک نفر را نشان می‌دهد که در حال ریختن مایعی درون آتشدان است و شخص دیگری پشت سر او تصویر شده و به نظر می‌رسد که حیوانی را به مذبح می‌برد. این عمل قبل از یک نما (یا سردر) نصب‌شده‌ی مستطیل شکل (درب) معبد یا کاخ یا شاید محرابی دیگر رخ می‌دهد. نقش شخصی که حیوان را در PFS 75 هدایت می‌کند با نقش برجسته تخت جمشید، در صحنه‌هایی که افراد حیوانات را حمل و هدایت می‌کنند، ارتباط دارد. این نقوش بر پلکان آپادانا (صحنه‌ی هدیه‌آوردندگان/ادای احترام به پادشاه)، پلکان ساختمان مرکزی، کاخ داریوش (صحنه‌ی ضیافت)، کاخ خشایارشا و ستون پنجره‌های کاخ خشایارشا دیده می‌شود. در این مهر که به سبک ترکیبی^{۱۵} حکاکی شده (Garrison, 2000, p 142 & 141، به نظر می‌رسد، خدمتکاران لباس آشوری به تن دارند.

گمان می‌رود مهر PFS 170 (تصویر ۵)، تداعی‌گر مراسم آیینی باشد. تا پیش از دوره‌ی هخامنشی، نقوش انسان‌های تخت‌نشین، به شاهان و خدایان محدود می‌شد که در مراسم آیینی خاص شرکت کرده و کاملاً خشک و رسمی بر روی صندلی یا چهارپایه‌ای نشسته‌اند که صحنه‌ای از مراسم آیینی،



نمونه ۱. نقش مهر PFS 11. (Garrison 2017, p 39).

تحلیل نمونه ۱: صحنه‌ی مرکزی PFS 11 (نمونه ۱)، دو پیکره انسانی را با تاج و ردای درباری پارسی در کنار یک بنای برج‌مانند مستطیل‌شکل نشان می‌دهد که یک دست خود را به نشانه‌ی نیایش یا احترام بالا آورده و عصایی در دست دیگر دارند. بنای مستطیل‌شکل بین دو پیکره، به‌عنوان یک آتشدان شناسایی شده و صحنه‌ی پرستشی را رقم زده است. در بالای این سازه، حلقه‌ی بالدار با پیکره دیده می‌شود. نخل‌های خرما با خوشه‌های میوه‌ی پیازی‌شکل، در دو طرف، صحنه را قاب کرده‌اند. در قسمت انتهایی، کتیبه‌ی سه زبانه در راستای محور عمودی مهر قرار دارد (Garrison, 2014b, p 72 & 73).

در اینجا، تصویر شاه با جزییات که در دو طرف آتشدان تکرار شده، با اینکه نشانه‌ای شمایی است، معنای نمادین نیز با خود به همراه دارد، این نقش، حضور پادشاه هخامنشی را در اجرای مراسم آیینی، به‌طور مستقیم ارائه نموده تا از این طریق وی را مانند سایر مردمان سرزمین تحت اختیار خود، پایبند به اصول و قوانین، باورها و تقدسات نشان دهد. از سوی دیگر، مشروعیت بخشی سلطنت خود را که وابسته به اهورامزدا می‌داند از این طریق به نمایش می‌گذارد. در این صحنه، درخت نخل و آتشدان نیز از نشانه‌های شمایی است که حاوی معانی و مفاهیم نمادین هستند. درخت یادشده به بخشندگی و سودمندی شناخته می‌شود و نشان می‌دهد که در مراحل مختلف مورداستفاده قرار می‌گیرد، به این معنی که با یک‌بارمصرف آن، تمام نشده بلکه در سال‌های بعد نیز قابل‌استفاده خواهد بود (بهمنی، ۱۳۹۸، ص ۴۹). درخت نخل به‌عنوان نمادی از باورهای دینی و اسطوره‌ای ایرانیان شناخته می‌شود که معنا و مفهوم زندگی را به همراه دارد. این درخت

تدبیری که هخامنشیان در مورد آزادی دینی در پیش گرفتند، در تاریخ سیاسی-اجتماعی جهان باستان، امری مشهور است. این‌گونه به نظر می‌رسد که هخامنشیان به دنبال گسترش باورهای دینی خود به‌ویژه با زور نبودند و تنها عقاید و باورهای خویش را برای خود نگه داشته بودند (موسوی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۳). با توجه به آزادی و احترامی که ایشان نسبت به اعتقادات سایر ملل و اقوام قائل بودند، از نقوش خدایان آن‌ها نیز در آثار خود بهره می‌بردند. از جمله می‌توان به نقش پس^{۱۶} یا بیسو^{۱۷}، خدای سرگرمی و شادی مصریان بر روی مهرهای این دوره اشاره کرد (تصویر ۷). در مصر، این خدا را نگهبان زن در حال زایمان می‌دانسته‌اند؛ اما مفهوم آن در دوره‌ی هخامنشی به‌طور دقیق مشخص نیست. شاید در اینجا نیز نقش محافظتی داشته و برای دور کردن شر مورداستفاده قرار می‌گرفت (کرتیس و تالیس، ۱۳۹۲، ص ۳۶۰).



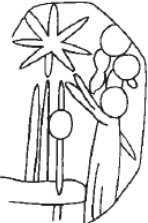
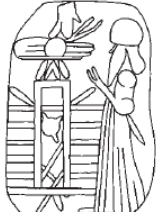
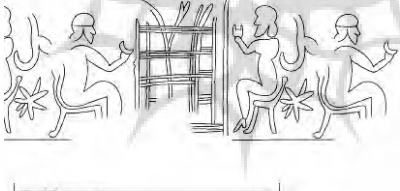
تصویر ۷. نقش پس بر مهر هخامنشی، محل نگهداری: موزه بریتانیا (URL 1).

در ادامه تعدادی نقش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی به‌صورت جدول ارائه می‌شود (جدول ۱).

۴. تحلیل نمادشناسی نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی

این بخش به بررسی و تحلیل نمادهای سه نمونه مهر هخامنشی با مضمون آیینی اختصاص داده شده است.

جدول ۱. نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی (ترسیم: نگارندگان)

		
طرح ۳- PFS 161*s (Garrison, 2017, p356)	طرح ۲- PFS 578s (S1) (Garrison, 2017, p 291)	طرح ۱- PTS 20 (Garrison, 2017, p128)
		
طرح ۶- PFS 273 (Garrison, 2017, p85)	طرح ۵- PFS 82 (Garrison 2017, p86)	طرح ۴- PTS 14 (Garrison, 2017, p 336)
		
طرح ۹- PFUTS 153s (Garrison, 2017, p158)	طرح ۸- PFS 783 (Garrison, 2017, p 189)	طرح ۷- PFS 706 (Garrison, 2000, p 146)

نقش حلقه‌ی بالدار با پیکره در مرکز تصویر و بالای آتشدان، تصویری خلق شده از باورهای مردمان باستان است که ابتدا به صورت حلقه‌ای بالدار بوده و به تدریج پیکره‌ای به آن افزوده شد. جامه‌ی پارسی که این پیکره بر تن دارد، از عناصری است که در نقوش هخامنشی، آن را نسبت به سایر تمدن‌ها متمایز می‌سازد. این نقش اسطوره‌ای به گفته‌ی برخی اندیشمندان نشان‌دهنده‌ی اهورامزدا است. حلقه‌ی بالدار و آتشدان در مرکز صحنه رمزگانی تصویری می‌تواند باشد که معانی همراه با آن

در نقوش و اساطیر به دو صورت ترسیم شده است: ۱. درختی با برگ‌های همیشه‌سبز که مفهوم جاودانگی را در بر دارد. ۲. به شکل شاخه که نمادی از زندگی است (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷). بنابراین درخت نخل نماد زندگی، حاصلخیزی، سودمندی و بخشنده‌ی و گاه به عنوان نماد باروری بر روی آثار و به ویژه مهرها ترسیم شده است.

با اینکه به نظر می‌رسد، نقوش در مهر PFS 75، کمتر نمادین باشند، اما برخی از نقشمایه‌ها پیام‌هایی نمادین نیز با خود به همراه دارند. در مورد نمای مستطیل شکل، به این دلیل که قطعیتی نسبت به آن وجود ندارد، نمی‌توان با صراحت نظر داد. هلال ماه در این صحنه می‌تواند معنای نمادینی را انتقال دهد. این نقش نمادی است از خدای ماه که از هنر و باور تمدن بین‌النهرین به آثار هخامنشی وارد شده است و هدف از ترسیم آن بر بالای صحنه، نوعی نیروی محافظتی و جادویی، مدنظر بوده است. نمادهای ماه به طرز درخوری معرف زمستان هستند که دوران شب‌های دراز و انباشته از تاریکی و برف و باران است. این مضمون نبرد آسمانی با شکار که گردش فصول را تضمین می‌کند برای مدت دو هزار سال به اعتبار خود باقی ماند. بدون شک توجه به اینکه زمستان و تابستان باید متعاقب یکدیگر فراروند برانگیخته از دغدغه‌ی برداشت محصول بوده است (پوپ، ۱۳۹۴، صص ۱۰۵۹ و ۱۰۵۸). در ایران باستان پیش از زرتشت، ماه به‌عنوان یکی از خدایان، مورد پرستش قرار می‌گرفت. ماه که شب تاریک را نور و روشنی می‌بخشید، گاهی نسبت به خورشید از اهمیت بیشتری برخوردار بود، به این دلیل که تغییر شکل و روند پُر و خالی شدن آن، مفهوم زمان و گردش روز و شب و سال را به همراه داشت (مبینی و رضایی مارنانی، ۱۳۹۸، ص ۶۰). نقش آتشدان با شعله‌ی آتش که به شکل مثلث ارائه شده، نمادی است از تقدس. با اینکه پیکره‌ها در این صحنه هر کدام در حال انجام فعالیتی مجزا هستند اما به‌طور کلی در پیوند با کل نقوش، معنای ویژه‌ای را انتقال می‌دهند که همان تدارک یا اجرای مراسم آیینی است که به‌صورت منفرد نبوده و به شکلی با همکاری و توسط افرادی در حال انجام است. ارتباطی که میان پیشکش و قربانی کردن حیوان با نقش آتش و آتشدان وجود دارد، قابل‌توجه است. نقش‌مایه هلال ماه در پیوند با این عناصر می‌تواند نشانه‌ای باشد بر قربانی حیوان برای خدای ماه یا «سین»، و حضور آتش در اینجا می‌تواند به‌عنوان بخشی از مراسم قربانی به‌حساب آید.

مرتبط با آیین پرستش و نیایش است. کادر تصویر، افقی است اما بیشتر عناصر به‌صورت عمودی در کادر قرار گرفته‌اند. همین امر به شیوه‌ای نمادین می‌تواند تأکید بر استحکام و اقتدار سلطنت داریوش را نشان دهد. به‌طور کلی نقوش موجود در این مهر بر مفهوم کلی تقدس و ارجمندی مراسم آیینی تأکید دارد و نشان می‌دهد که پادشاه هخامنشی، پشتیبان و حافظ باورهای دینی سرزمین تحت حاکمیت خود است و نیرویی الهی همچون اهورامزدا نیز از این امپراتوری، پشتیبانی و حفاظت می‌نماید.



نمونه ۲. نقش مهر PFS 75 (Garrison, 2000, p 142).

تحلیل نمونه ۲: مهر PFS 75 (نمونه ۲)، یک نفر را با لباس آشوری در حال ریختن مایعی درون آتشدان نشان می‌دهد و پشت سر او شخص دیگری ترسیم شده که به نظر می‌رسد حیوانی را به مذبح می‌برد. قرارگیری عناصر همنشین در این صحنه، انجام عملی آیینی یا تدارک مراسمی آیینی را متصور می‌سازد. حضور بیش از یک پیکره در اجرای مراسم، نشانه‌ای است که این سنت آیینی به‌صورت جمعی و گروهی انجام می‌شده است. قرارگیری نقش هلال ماه بر بالای تصویر در ارتباط با مراسم آیینی بوده و نوعی تقدس به کل مجموعه‌ی نقوش بخشیده است. حالت پاهای پیکره‌ها و جانور، نشانه‌ای از پویایی و تحرک است و حالت خشک و رسمی نقوش هخامنشی در این صحنه کمتر به چشم می‌خورد. این صحنه جهت ورود و حرکت را نیز نشان می‌دهد. ماهیت نمای مستطیل شکل در مقابل آتشدان، به‌طور دقیق مشخص نشده اما با توجه به جهت حرکت سایر نقوش به سمت آن، به نظر می‌رسد سردر کاخ یا معبد باشد که حیوان را برای پیشکش یا قربانی به آنجا می‌برند. این نقش می‌تواند تنها، نشانه‌ای باشد که تأکید بر آیینی بودن صحنه را تشدید می‌نماید.

از تجدید حیات. ستاره‌ی هشت پر به‌عنوان یک نقش هندسی نه‌تنها تجسمی از سیاره‌ی زهره بوده، نمادی از آفتاب نیز به شمار می‌رفت (افروغ، ۱۳۹۰، ص ۲۹). به‌طور کلی صحنه‌ی مورد بحث، نمایش اجرای مراسم آیینی توسط شاه را نشان می‌دهد.

۵. جمع‌بندی یافته‌ها

در بررسی نمادشناسانه‌ی نقوش ۳ مهر هخامنشی با مضمون آیینی (جدول ۲)، نقشمایه‌هایی که به صورت شمایی تصویر شده‌اند، مفاهیم نمادین با خود به همراه داشته‌اند. هنرمند/صنعتگر هخامنشی از این طریق سعی در نمایش و روایت مفاهیم آیینی-پرستشی داشته است. به‌طور کلی نمادها در مهرهای هخامنشی با مضمون مورد بحث، مفهوم پایبندی هخامنشیان به باورهای مذهبی و مقدسات و همچنین یاری‌جویی از نیروهای معنوی را به همراه دارد.

در مهرهای هخامنشی با مضمون یاد شده، یکی از پرکارترین نمادها، نقش حلقه‌ی بالدار با پیکره بوده است. این نشانه‌ی نمادین بر مهرهایی که صاحبانشان از اعضای خاندان سلطنتی یا افراد و مدیران بالارته در دربار هخامنشی بوده‌اند، بیشترین باز نمود را داشته و بیانگر این موضوع است که شاهان هخامنشی، مشروعیت سلطنت خود را وابسته به اهورامزدا دانسته و تحت حمایت و پشتیبانی نیروهای معنوی قرار داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

مهرهای هخامنشی به عنوان اسناد باستان شناختی فراتر از کارکرد اداری خود به منزله‌ی متونی تصویری حامل مفاهیم دینی، فرهنگی و ایدئولوژیک عمل می‌کرده‌اند. گفتنی است برخی نشانه‌های نمادین موجود در نقوش مهرها، پس از طی مراحل تاریخی خود، تحت تأثیر فرهنگ، معانی منحصر به امپراتوری هخامنشی را به خود اختصاص داده است؛ مانند نقش حلقه‌ی بالدار با پیکره. بسیاری از نقشمایه‌های موجود بر مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی، معانی نمادینی با خود به همراه دارند.

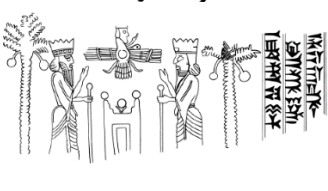


نمونه ۳. نقش مهر PFS 170 (Garrison 2017, p 91).

تحلیل نمونه ۳: صحنه‌ی PFS 170 (نمونه ۳)، پیکر نشسته‌ای را نشان می‌دهد که کاسه‌ای بزرگ در یک دست و گلی در دست دیگر دارد. در مقابل او، نقش انسانی دیگری با مگس‌پران (یا بادبزن) ایستاده است. حیوان کوچکی بین این دو پیکره قرار دارد که به‌طور دقیق قابل تشخیص نیست. ستاره‌ی هشت پر بزرگ، یک بُز و هلال باریک در انتهای تصویر دیده می‌شوند (Garrison, 2000, p 147).

حالت پیکره‌ی نشسته، کاسه و گلی که در دست دارد، نشانه‌ی شمایی از پادشاه را نشان می‌دهد. گُل نیلوفر که در دست راست این پیکره قرار دارد، از نظر نمادین حامل مفاهیمی همچون نور و روشنگری، پاکی و بی‌آلایشی، باروری و بی‌مرگی است (بهمنی، ۱۳۹۸، ص ۴۶). کاسه‌ی بزرگ و حالت بالا نگه داشتن آن توسط پیکره‌ی تخت‌نشین، نشانه‌ای است که بر اجرای مراسم آیینی خاص دلالت دارد. پیکره‌ی ایستاده، تصویری از خدمتکار است که در حال خدمت‌رسانی به پادشاه در حین انجام مراسم آیینی است. نقش‌مایه‌ی حیوان کوچک بین دو پیکره به دلیل نامشخص بودن، قابل‌بررسی از منظر نمادشناسی نبوده اما ممکن است این نقش حیوانی، به‌عنوان پُرکننده‌ی صحنه و یا نماد سلطنتی باشد، در جهت تأکید بر رسمی بودن مراسم. حیوان دیگری که در این صحنه وجود دارد، بُزی است با شاخ‌های بلند و خمیده که نمادی است از نیروی زندگی و باروری. ترسیم این نقش بر آثاری با مضمون آیینی اغلب به جهت نمایش این حیوان به‌منظور پیشکش و قربانی انجام می‌گرفته است؛ اما در این صحنه، با توجه به رابطه‌ی همنشینی و شیوه‌ی ترسیم این حیوان با شاخ‌های خمیده (اغراق‌شده)، می‌تواند نشانه‌ای نمادین باشد که بر هلال ماه دلالت دارد. نقش‌مایه ستاره‌ی هشت پر نمادی است

جدول ۲. بررسی نمادها بر نقوش مهرهای هخامنشی با مضمون آیینی (نگارندگان)

نمونه شماره ۱	نمونه شماره ۲	نمونه شماره ۳	تصاویر
			
حلقه‌ی بالدار: اهورامزدا، پشتیبانی از امپراتوری هخامنشی پیکره تاجدار: نماینده خدا در زمین، پایبندی به باورها و تقدسات درختان نخل: باروری، حاصلخیزی و برکت	هلال ماه: خدای ماه، نیروی محافظتی و جادویی حيوان شاخدار: برکت‌خواهی آتش: حقیقت، نور و پاکی	پیکره تخت‌نشین: پایبندی به باورها و تقدسات پادشاه هخامنشی گل نیلوفر: نور و روشنگری، پاکی و بی‌آلایشی، باروری و بی‌مرگی حيوان شاخدار: نیروی زندگی و باروری ستاره هشت پر: تجدید حیات	وجه نمادین

را ارائه می‌دهند که در آن نظم کیهانی، پیروزی نیروهای خیر بر شر و ارتباط میان انسان و الوهیت نقش محوری دارد. پرتکرارترین مفاهیم، نمایش اقتدار، قدرت و تسلط شاه بر نیروهای طبیعی و مافوق طبیعی، ثبات و امنیت، بینش و تدبیر هخامنشیان، شکوه، برکت و حاصلخیزی در امپراتوری هخامنشی و پایبندی به باورها و مقدسات بوده است. همچنین از منظر نمادشناسی می‌توان نتیجه گرفت که مهرهای هخامنشی تجلی‌گاه اندیشه‌ای تلفیقی میان دین، هنر، فرهنگ و سیاست بوده‌اند.

پی‌نوشت

1. L'Art del' Iran, Made et Achemenide
2. Forgotten empire: the world of ancient Persia
3. A survey of Persian art, from Prehistoric times to the present
4. Seals on the Persepolis fortification tablets
5. King and Elite in the Achaemenid Empire
6. Stamp seal
7. Cylinder seal

۸. Gordion پایتخت ساتراپی فریگیه

۹. مغان: به معنی مهی، بزرگی و بزرگواری است که نامی عمومی برای روحانیان زرتشتی است (شهرسواری و موسوی کوهر، ۱۳۹۸، ص ۱۵۱-۱۵۰).

۱۰. برسم: شاخه‌های بریده‌ی درخت است که در آیین‌های پرستش زرتشتی از آن استفاده می‌شد (طاهری، ۱۳۹۶، ص ۳۵).

مطالعه‌ی دقیق مضامین همچون صحنه‌های نیایش، حضور ایزدان، نمادهای حلقه‌ی بالدار، اجرام آسمانی، نقوش گیاهی و جانوری آشکار ساخت که این تصاویر بازتاب‌دهنده نظام فکری مبتنی بر فره ایزدی، نظم کیهانی و پیروزی نیروهای خیر بر شر هستند. این زبان نمادین نه تنها بیانگر باورهای دینی ایرانیان باستان است، بلکه کارکردی سیاسی در مشروعیت‌بخشی به شاهنشاه و تثبیت اقتدار او بر قلمرو پهناور امپراتوری داشته است. گزینش نقوش ترسیم شده بر مهرها توسط هنرمند هخامنشی و سفارش‌دهنده‌ی مهر، انتقال‌دهنده‌ی پیام و مفاهیمی است که هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این تمدن تاریخی را نشان می‌دهد؛ زیرا نوع پوشش، مراسم و تشریفات و صحنه‌هایی که بر مهرها و سایر آثار این دوره مجسم شده‌اند، نشانگر هویت هخامنشیان است. با توجه به کارکرد اداری و تجاری مهرهای هخامنشی که درعین‌حال، شامل مفاهیم سیاسی و نشان‌دهنده‌ی اقتدار امپراتوری بوده، وجه نمادین نقوش و صحنه‌های ترسیم شده پررنگ‌تر نمایان شده است.

در پاسخ به این پرسش پژوهش که نقوش آیینی به کار رفته در مهرهای هخامنشی چه مفاهیم نمادینی را بازتاب می‌دهند؟ به این نتیجه رسیدیم که نقوش آیینی به کار رفته در این مهرها بازتاب‌دهنده‌ی مجموعه‌ای پیچیده از مفاهیم نمادین دینی، کیهانی و سیاسی‌اند. این نقوش با نمایش صحنه‌های نیایش، حضور ایزدان و موجودات ترکیبی، اجرام آسمانی و نقوش گیاهی، تصویری از جهان‌بینی ایرانیان باستان

۱۱. علامت اختصار PFS برای نمایش مهرهای ثبت‌شده بر الواح باروی تخت جمشید.
 ۱۲. آرشیو بارو: آرشیو بارو تخت جمشید، مربوط به (۵۰۵-۴۹۳ پ.م) یعنی دوران سلطنت داریوش اول (۴۸۶-۵۲۱ پ.م) شامل تصاویر بصری غنی از مهرها است (Garrison, 2014a, p. 487).
 13. Ziššawiš
 14. Parnaka
 ۱۵. در سبک ترکیبی I، که ترکیبی از دو سبک تقلیدی و بارو است، پیکرها بزرگ و به‌صورت برجسته ترسیم شده‌اند.
 16. Bes
 17. Bisuo
 18. Symbol
 19. contract
۱۱. دادور، ابوالقاسم و روزبهانی، رویا. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی جانوران ترکیبی در هنر هخامنشیان و آشوریان با تأکید بر نقوش برجسته و مهرها». نگره، شماره ۳۹، صص ۱۷-۳۳.
۱۲. دادور، ابوالقاسم و علیایی، بیتا. (۱۳۹۰). «نشستگاه‌ها در تمدن بین‌النهرین». جلوه هنر، شماره ۵، صص ۱۵-۲۲.
۱۳. سجودی، فرزانه. (۱۳۹۵). «نشانه‌شناسی کاربردی». تهران: علم.
۱۴. شریف‌زاده، محمدرضا و بهزادی، نینا. (۱۳۹۷). «تطبیق نماد قدرت بر روی نقوش مهرهای دوره هخامنشی با دوره قاجار». هنر و معماری؛ پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱۴، صص ۳۹-۵۰.
۱۵. شهبازی، میثم و موسوی کوهرپر، سید مهدی. (۱۳۹۸). «ساختار درونی روحانیت زرتشتی در دوره ساسانی». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۹ (۳)، صص ۱۶۲-۱۴۷.
۱۶. شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها (اساطیر، رویاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد). ترجمه سودابه فضائلی. چاپ دوم. تهران: جیحون.
۱۷. صفوی، کورش. (۱۳۹۴). «از زبان‌شناسی به ادبیات». ج ۱. تهران: سوره مهر.
۱۸. صفوی، کورش. (۱۳۹۴). «آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات». تهران: نشر علمی.
۱۹. صفوی، کورش. (۱۳۹۴). «معنی‌شناسی کاربردی». تهران: همشهری.
۲۰. ضیمران، محمد. (۱۳۸۲). «درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر». تهران: قصه.
۲۱. طالبی، پگاه و شاطری، میترا. (۱۴۰۲). «بررسی مهرهای تمدن هخامنشی و بن‌مایه‌های تزئینی مشترک آن با مهرهای تمدن میان‌رودان و ایلام». باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۴، صص ۲۴-۴۵.
۲۲. طاهری، صدرالدین. (۱۳۹۶). «نشانه‌شناسی کهن الگوها (در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار)». تهران: شوراآفرین.
۲۳. کرتیس، جان و تالیس، نایجل. (۱۳۹۲). «امپراتوری فراموش شده: فرهنگ، هنر و تمدن هخامنشیان». ترجمه خشایار بهاری. تهران: فرزانه روز.
۲۴. کولون، دومینیک و پرادا، ادیت. (۱۳۹۴). «مهر در خاور نزدیک و ایران باستان». ترجمه پوریا خدیش. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. گریسون، مارک و کول روت، مارگارت. (۱۳۹۰). «اثر مهرهای هخامنشی (برجای‌مانده بر گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید)». علامت اختصار PFS برای نمایش مهرهای ثبت‌شده بر الواح باروی تخت جمشید.
۲۶. آرشیو بارو: آرشیو بارو تخت جمشید، مربوط به (۵۰۵-۴۹۳ پ.م) یعنی دوران سلطنت داریوش اول (۴۸۶-۵۲۱ پ.م) شامل تصاویر بصری غنی از مهرها است (Garrison, 2014a, p. 487).
۲۷. 13. Ziššawiš
۲۸. 14. Parnaka
۲۹. ۱۵. در سبک ترکیبی I، که ترکیبی از دو سبک تقلیدی و بارو است، پیکرها بزرگ و به‌صورت برجسته ترسیم شده‌اند.
۳۰. 16. Bes
۳۱. 17. Bisuo
۳۲. 18. Symbol
۳۳. 19. contract

کتاب‌نامه

- احمدی، بابک. (۱۳۸۵). «ساختار و تاویل متن». تهران: مرکز.
- اسدپور، علی. (۱۳۹۹). «منظر درخت؛ بازشناسی انگاره «درخت» در مهرهای هخامنشی». هنرهای زیبا، شماره ۸۲، صص ۳۶-۲۳.
- افروغ، محمد. (۱۳۹۰). «نمادگرایی و نشانه‌شناسی در فرش ایرانی». مطالعات ایرانی، شماره ۱۹: ۴۲-۱۳.
- بهمنی، پردیس. (۱۳۹۸). «هنر و تمدن اسلامی: مقدمه‌ای بر طرح اشیاء در هنر اسلامی ایران». چاپ سوم. تهران: فخرآکیا.
- پرادا، ادیت. (۱۳۹۱). «هنر ایران باستان». ترجمه یوسف مجید زاده. تهران: دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتر آپم. (۱۳۹۴). «سیری در هنر ایران، از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز». (ج ۱). ترجمه نجف دریا بندری و دیگران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتر آپم. (۱۳۹۴). «سیری در هنر ایران، از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز». (ج ۵). ترجمه نجف دریا بندری و دیگران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جدی، محمد جواد. (۱۳۹۲). «دانشنامه مهر و حکاکی در ایران». تهران: متن؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- چندلر، دانیل. (۱۳۹۴). «مبانی نشانه‌شناسی». ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.

(Louvre Sb 13078). *Journal of Near Eastern Studies*, 55(1), 15-35.

Garrison, M. B. (2000). Achaemenid iconography as evidenced by glyptic art: subject matter, social function, audience and diffusion. *Images as media: Sources for the Cultural history of the Near East and the Eastern Mediterranean (1st millennium BCE)*, 115-163

Garrison, M. B. (2014a). The impressed image: glyptic studies as art and social history. *Critical Approaches to Ancient Near Eastern Art*, 481-513.

Garrison, M. B. (2014b). The Royal-Name Seals of Darius I. in Kozuh, M. & Stolper, M. W. (2014). *Extraction & control: studies in honor of Matthew W. Stolper* (Vol. 6800). Oriental Institution of the University of Chicago. pp 67-104.

Garrison, M. B. (2017). The ritual landscape at Persepolis: glyptic imagery from the persepolis fortification and treasury archives. Chicago, IL, USA: Oriental Institute of the University of Chicago.

Garrison, M. B. (2021). Seals and Sealing. *A Companion to the Achaemenid Persian Empire*, 1, 769-791.

Garrison, M. B. & Dion, P. (1999). The Seal of Ariyāramna in the Royal Ontario Museum, Toronto. *Journal of Near Eastern Studies*, 58(1), 1-17.

Garrison, M. B. & Root, M. C. (2001). Seals on the Persepolis Fortification Tablets Volume I: Images of Heroic Encounter. Orient. Inst. Publ, 117, 189-201.

Petersen, E. (2017). Creating an Imperial Image: A Case Study on Composite Seal Imagery from Achaemenid Persepolis. pp 1-23.

URL 1:

<https://www.britishmuseum.org/collection/image/23387001> (access date: 2024/8/20)

جمشید). ج ۱. ترجمه کمال‌الدین نیک‌نامی و علی بهادری. تهران: دانشگاه تهران.

- گیرشمن، رومن. (۱۳۹۰). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. مترجم عیسی بهنام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- مایر، ورنون هاید. (۱۳۸۷). تاریخ تاریخ هنر (سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر). ترجمه مسعود قاسمیان. تهران: فرهنگستان هنر.

- مبینی، مهتاب و رضایی مارنانی. (۱۳۹۸). «جایگاه نمادهای نجومی در هنر ایران باستان (دوره پیش از تاریخ تا پایان دوره هخامنشی)». پیکره. تابستان ۱۳۹۸. دوره هشتم شماره ۱۶. صص ۶۵-۵۷.

- منتظری هدشی، مونا؛ سودایی، بیتا؛ علیزاده، حسین و درخشی، حسن. (۱۴۰۲). «شمایل‌نگاری نقوش گیاهی در هنر ایران باستان بر اساس نقوش مهرها و مسکوکات». *باستان‌شناسی ایران*، شماره ۲۴، صص ۶۱-۴۶.

- موسوی، مهرزاد. (۱۳۹۰). جستاری در پیشینه هنر هخامنشی. شیراز: درخشید.

- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۹۹). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: نیلوفر.

- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۷). *انسان، نشانه، فرهنگ*. تهران: افکار.

- وولن، پیترو. (۱۳۸۴). *نشانه‌ها و معنا در سینما*. ترجمه عبدالله تربیت و بهمن طاهری. تهران: سروش.

- هاوکس، ترنس. (۱۳۹۴). *ساخت‌گرایی و نشانه‌شناسی*. ترجمه مجتبی پردل. مشهد: ترانه.

- هنکلمن، ووتر. (۱۴۰۰). *شاه و نخبگان در شاهنشاهی هخامنشی (گزیده مقالاتی در باب بایگانی باروی تخت جمشید)*. ترجمه یزدان صفایی و حمیدرضا نیک‌روش. تهران: موزه ملی ایران.

- Curtis, J. E. & Tallis, N. (2005). *Forgotten Empire: The world of ancient Persia*. The British Museum Press.
- Dusinger, E. R. (2010). Anatolian crossroads: Achaemenid seals from Sardis and Gordion. *The World of Achaemenid Persia. History, Art and Society in Iran and the Ancient Near East*, 323-335.
- Garrison, M. B. (1996). A Persepolis fortification seal on the tablet MDP 11 308